پسر همسایه از مرگ فاصله گرفت

مرد محکوم به مرگ که چهار سال قبل دختر همسایه را به بهانه دادن هدیه تولد به قتل رسانده بود، با جلب رضایت اولیای دم از مرگ فاصله گرفت.

به گزارش جوان، ۶ تیر سال ۹۵، مرد جوانی به نام داوود، مأموران پلیس تهران را از قتل دختر مورد علاقه‌اش در پارکینگ خانه‌شان در یکی از محله‌های تهرانسر باخبر کرد و گفت که خودش عامل قتل است. بعد از حضور مأموران در محل آنها با جسد سودابه ۲۰ساله روبه‌رو شدند که با ضربات چاقو در خودروی داوود به قتل رسیده بود. با انتقال جسد به پزشکی قانونی، داوود ۲۸ساله بازداشت شد. او در همان بازجویی‌های اولیه به جرمش اقرار کرد و در حالیکه به شدت اشک می‌ریخت در شرح ماجرا گفت: «سودابه دختر همسایه‌مان بود و به او علاقه داشتم. در این چهار سال با هم رابطه داشتیم و قرار بود به خواستگاری‌اش بروم، اما یکباره سودابه مخالفت کرد و گفت قصد ازدواج ندارد. او گفت می‌خواهد ادامه تحصیل بدهد و خواست در مورد ازدواج بیشتر فکر کند. قبول کردم، اما بعد از مدتی متوجه شدم او در فضای مجازی با مرد غریبه ارتباط دارد و با هم چت می‌کنند. این شد که با او صحبت کردم و فهمیدم سودابه به آن مرد علاقه‌مند شده است.»

متهم ادامه داد: «وقتی این جواب را شنیدم شوکه شدم. فکر کردم بازی خورده‌ام به همین خاطر با هم درگیر شدیم اما او مدعی شد دروغ گفته است و با کسی رابطه ندارد. همانجا تصمیم گرفتم او را فراموش کنم، اما فکر سودابه از سرم خارج نمی‌شد.»

متهم درباره روز حادثه گفت: «آن روز تولد سودابه بود. با او تماس گرفتم تا برای گرفتن هدیه تولدش به پارکینگ خانه‌مان بیاید. وقتی سودابه به خانه‌مان آمد به او گفتم هدیه‌اش داخل ماشین است. به همین خاطر به خانه رفتم تا سوئیچ ماشینم را بردارم که چشمم به چاقوی آشپزخانه افتاد. همان لحظه یاد حرف و رفتارهای سودابه افتادم این شد که در یک لحظه کنترل اعصابم را از دست دادم.»

متهم گفت: «وقتی به پارکینگ خانه رفتم ناخواسته به سودابه حمله کردم و او را با چاقو زدم. سودابه فریاد می‌کشید که پدرم رسید و همان لحظه از ترس فرار کردم. فکرم پیش سودابه بود به همین خاطر با پدرم تماس گرفتم که فهمیدم او فوت کرده‌است. این شد که تصمیم گرفتم به کلانتری بروم و خودم را معرفی کنم.»

با اقرارهای متهم او روانه زندان شد و پرونده با صدور کیفرخواست در شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان تهران تحت رسیدگی قرار گرفت. متهم در اولین جلسه محاکمه با درخواست اولیای‌دم به قصاص محکوم شد.

این حکم با تأیید در دیوان عالی کشور در آستانه اجرا قرار گرفت تا اینکه متهم توانست رضایت اولیای‌دم را جلب کند.

به این ترتیب پرونده بار دیگر از جنبه عمومی جرم به همان شعبه فرستاده شد تا اینکه متهم برای دومین بار مقابل هیئت قضایی به ریاست قاضی زالی قرار گرفت.

او در آخرین دفاعش گفت: «من سودابه را دوست داشتم. به همین خاطر فکر اینکه روزی او را از دست بدهم مرا دچار جنون کرده بود. حالا چیزی برای از دست دادن ندارم. چند بار هم در زندان خودکشی کردم و یکبار هم ۲۱روز در بیمارستان روانی بستری شدم. خانواده‌ام تلاش کردند تا رضایت اولیای‌دم را جلب کنند اما نمی‌دانم بعد از این بتوانم زندگی عادی داشته باشم یا نه.»

در پایان هیئت قضایی وارد شور شد.

شوهر سابق: من قاتل نیستم

مردی که به اتهام قتل همسر سابقش بازداشت شده مدعی است که در ارتکاب جنایت دست نداشته است.

به گزارش جوان ۲۴ اردیبهشت‌ماه امسال ساکنان ساختمانی در شهرستان ملارد به پلیس خبر دادند که از خانه همسایه‌شان بوی نامطبوعی به مشام می‌رسد. لحظاتی بعد تیمی از مأموران در محل حاضر شدند. یکی از ساکنان ساختمان گفت در این آپارتمان زنی تنها زندگی می‌کند. چند روزی است که از او خبری نیست با این حال بوی بدی از خانه‌اش به مشام می‌رسد. بعد از آن بود که مأموران در خانه را گشوده و زمانی که قدم به داخل آپارتمان گذاشتند با جسد زن جوان در حالی که با فشار بر عناصر حیاتی گردنش به کام مرگ رفته‌بود مواجه شدند.

در بررسی‌بیشتر مشخص شد که وضع خانه به هم ریخته اما به گفته اعضای خانواده‌اش که در محل حاضر شده بودند چیزی از خانه سرقت نشده است. همزمان با انتقال جسد به پزشکی قانونی تحقیقات در این باره ادامه پیدا کرد. خانواده زن جوان به پلیس گفتند که دخترشان یکسال قبل در حالی که صاحب سه‌فرزند بود، از شوهرش طلاق گرفت و به تنهایی زندگی می‌کرد. آنها گفتند که بچه‌ها همراه پدرشان زندگی می‌کنند و گاهی مادرشان به ملاقات آنها می‌رود. در تحقیقات بعدی پلیس معلوم شد که مقتول از مدتی قبل صیغه مردی جوان بوده که به خانه او رفت و آمد داشته‌است. این مرد وقتی مورد تحقیق قرار گرفت گفت که از ماجرای قتل خبر ندارد. او توضیح داد: من مدتی قبل بود که با زن جوان آشنا شدم و او را صیغه کردم و به خانه‌اش رفت و آمد داشتم. او گاهی به دیدن بچه‌هایش می‌رفت و از چند روز قبل هر چه با تلفن همراهش تماس گرفتم، جواب نمی‌داد. احتمال دادم که به دیدار بچه‌هایش رفته باشد تا اینکه خبر رسید به قتل رسیده است.

در شاخه دیگری از تحقیقات پلیس بود که مشخص شد مقتول از مدت‌ها قبل با شوهر سابقش اختلاف داشته و از سوی او به مرگ تهدید شده بود. بعد از آن بود که مرد جوان تحت تعقیب قرار گرفت و چند روز قبل در خانه‌اش در تهران شناسایی و بازداشت شد. مرد جوان وقتی برای تحقیق به شعبه ۱۱ دادسرای جنایی تهران منتقل شد به قاضی مصطفی واحدی گفت: من در ارتکاب قتل نقش ندارم. ما چند سال قبل ازدواج کردیم و صاحب یک دختر نوجوان و دو پسر خردسال بودیم. یکسال و نیم قبل بود که به خاطر بالا گرفتن اختلاف‌هایمان طلاق گرفتیم. بعد از آن بود که من سرپرستی بچه‌ها را به عهده گرفتم.

وی در شرح زندگی مشترک با مقتول هم گفت: من ویزیتور یک شرکت بودم و درآمد کمی داشتم. با شکایت همسرم که مهریه‌اش را اجرا گذاشته بود، توانستم بخشی از مهریه را پرداخت کنم، اما به خاطر اینکه توان مالی نداشتم مدتی هم به زندان افتادم و کارم را از دست دادم. بعد از آن بود که با خانواده‌اش هم اختلاف پیدا کردم و به خاطر دخالت‌هایشان از آنها شکایت کردم که سرانجام از آنها اعلام گذشت کردم. با این حال ما بعد از سپری شدن این مشکلات از هم طلاق گرفتیم. بعد از طلاق هم گاهی به دیدن بچه‌ها می‌آمد. مقتول آخرین بار یکماه و نیم قبل از حادثه به دیدن بچه‌ها آمد و بعد از آن دیگر او را ندیدم تا اینکه متوجه شدم به قتل رسیده است.

بعد از ثبت اظهارات مرد جوان و از آنجا که حادثه در شهرستان ملارد اتفاق افتاده‌بود، پرونده با صدور عدم صلاحیت برای بررسی به شهرستان ملارد ارجاع شد.

کارمند اخراجی وزارت خارجه محاکمه می‌شود

پرونده کارمند اخراجی وزارت امور خارجه که مأمور پلیس را با شلیک گلوله زخمی و سلاح وی را سرقت کرده‌بود در دادگاه کیفری یک استان تهران بررسی می‌شود.

به گزارش جوان، ساعت سه بامداد ۲۲ فروردین سال ۹۷ مأموران پلیس تهران هنگام گشت‌زنی در محله فلاح با دیدن مردی سارق که در حال سرقت لوازم داخل خودرو بود، او را بازداشت کردند. لحظاتی بعد که مأموران در حال انتقال متهم به سمت کلانتری بودند، با مردی رهگذر مواجه شدند که با دیدن خودروی پلیس از محل متواری شد. بعد از آن بود که مأموران به وی مظنون شده و یکی از مأموران پلیس برای بازداشت مرد مظنون وارد عمل شد. لحظاتی بعد که مأمور پلیس در یک قدمی مظنون قرار داشت، وی با شلیک گلوله مأمور پلیس را از ناحیه سر هدف قرار داد و با سرقت اسلحه او متواری شد. بعد از آن بود که مأمور زخمی به بیمارستان منتقل شد و تحت عمل جراحی قرار گرفت. تلاش پزشکان برای نجات پلیس فداکار خیلی زود به جریان افتاد که خبر رسید وی به علت شدت جراحت توان حرکتی خود را از دست داده است.

در شاخه دیگری از تحقیقات، تلاش برای بازداشت متهم فراری به جریان افتاد تا اینکه یک‌ماه بعد از حادثه مأموران موفق شدند، متهم را بازداشت کنند.

متهم در اولین بازجویی‌ها به جرمش اعتراف کرد و به قاضی شفیعی، بازپرس شعبه چهارم دادسرای امور جنایی گفت: من صاحب همسر و فرزند هستم. من کارمند وزارت امور خارجه بودم تا اینکه مدتی قبل به مصرف مواد مخدر اعتیاد پیدا کردم. بعد از آن بود که به خاطر مصرف شیشه از محل کارم اخراج شدم.

متهم ادامه داد: من سال ۸۳ یک اسلحه کمری خریدم و برای مراقبت از خودم آن را در خانه نگه می‌داشتم. او در شرح حادثه هم گفت: سحرگاه حادثه برای خرید مواد مخدر شیشه خانه را ترک کردم. در حال عبور بودم که ناگهان با مأموران گشت پلیس مواجه شدم. از آنجا که با خودم سلاح غیر مجاز داشتم احتمال دادم که مأموران به من مظنون شده و من را بازداشت و سلاح را کشف کنند، برای همین شروع به دویدن کردم. آنجا بود که متوجه شدم مأموران به من مظنون شده و یکی از آنها در حال تعقیب من است. وقتی مأمور پلیس به نزدیک من رسید دست به اسلحه‌ام بردم و دستم به ماشه رفت و گلوله‌ای شلیک شد که به او برخورد کرد. آنجا بود که اسلحه مأمور پلیس از دستش افتاد که آن را برداشتم و فرار کردم.

متهم ادامه داد: یک‌ماه بعد از حادثه تصمیم گرفتم که اسلحه مأمور را بفروشم و در حال فروش اسلحه بودم که مأموران من را بازداشت کردند. متهم گفت: من فکر نمی‌کردم که گلوله به سر مأمور اصابت کرده و باعث جراحت او شده باشد. با کامل شدن تحقیقات قاضی متهم را به جرم ایراد جرح عمدی به پلیس، خرید سلاح غیرمجاز، اقدام مسلحانه به مأمور، تمرد به مأمور هنگام انجام وظیفه، حمل و نگهداری سلاح غیر مجاز و نگهداری مهمات جنگی و شوکر مجرم شناخت و پرونده با صدور کیفرخواست علیه وی به دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد.

قتل مرد سالخورده برای سرقت یک میلیون تومان

زن خدمتکار که با خوراندن قرص خواب آور مرد سالخورده را به کام مرگ کشانده و یک میلیون تومانش را سرقت کرده‌بود، سرانجام بازداشت شد.

به گزارش جوان، سرهنگ کارآگاه مرتضی نثاری، معاون مبارزه با جرائم جنایی پلیس آگاهی تهران بزرگ گفت: تیرماه امسال زن میانسالی وارد شعبه هفتم دادسرای امور جنایی شد و به قاضی گفت که به مرگ برادر ۶۱ساله‌اش مظنون است و احتمال می‌دهد که او به قتل رسیده باشد. وقتی پرونده در اداره دهم پلیس آگاهی تهران بررسی شد، زن میانسال جزئیات بیشتری از ماجرا را برای پلیس شرح داد. او گفت: ۱۲ دی‌ماه سال گذشته بود که برادرم که مردی ۶۱ساله بود فوت شد. او مردی تنها بود که زنی خدمتکار کارهای خانه‌اش را انجام می‌داد. بعد از فوت هم جسدش با مجوز پزشکی قانونی دفن شد و مراسم ترحیم او را برگزار کردیم. وی ادامه داد: چند روز قبل که در حال نظافت خانه برادرم بودم، مقداری داروی خواب‌آور پیدا کردم. برادرم اصلاً داروی خواب‌آور مصرف نمی‌کرد و احتمال می‌دهم که زن خدمتکار او را با خوراندن داوری خواب‌آور مسموم کرده و به کام مرگ کشانده‌است. در بررسی بیشتر هم متوجه شدم که مقداری از اوراق هویتی او و اسناد دیگرش سرقت شده‌است.

شاکی در توضیح فوت برادرش هم گفت: برادرم برای انجام کارهایش زنی ۳۵ساله به نام فریبا را از یک شرکت خدماتی استخدام کرده بود. فریبا یک‌ماه در خانه برادرم کار کرد تا اینکه یک روز تماس گرفت و گفت که برادرم حالش بد شده و به اورژانس خبر داده است. وقتی در خانه برادرم حاضر شدیم، امدادگران اورژانس هم حاضر شده بودند و بعد از معاینه، مرگ او را تأیید کردند. بعد از آن ما دیگر از فریبا خبر نداریم.

با اطلاعاتی که زن میانسال در اختیار پلیس گذاشت کارآگاهان راهی شرکت خدماتی شده و متوجه شدند که فریبا به علت مصرف مواد مخدر از شرکت اخراج شده است. در تحقیقات بعدی مشخص شد که فریبا در یک شرکت دیگر مشغول کار شده‌است. وقتی مأموران در آن شرکت حاضر شدند مشخص شد که فریبا از آن شرکت هم به علت سرقت اخراج شده‌است.

در شاخه دیگری از تحقیقات بود که کارآگاهان پلیس متوجه شدند که صابر روز حادثه با مرکز فوریت‌های پلیس ۱۱۰ تماس گرفته و گزارش سرقت از منزلش را هم اعلام کرده‌بود. بعد از به دست آمدن این اطلاعات بود که کارآگاهان موفق شدند محل تردد فریبا را در شرق تهران شناسایی و نهم مهرماه او را بازداشت کنند. فریبا در اولین بازجویی‌ها گفت که در ماجرای مرگ مرد سالخورده نقش نداشته‌است. وی اما در تحقیقات فنی به قتل اعتراف کرد و گفت: آذرماه‌سال قبل از حادثه از شهرستان به تهران آمدم و در یک شرکت خدماتی مشغول کار شدم. همان ابتدا بعد از انعقاد قرار داد سه‌ماهه از طرف شرکت برای نگهداری از مرد سالخورده به خانه‌اش مراجعه کردم. متهم ادامه داد: من به مصرف موادمخدر اعتیاد داشتم و برای تأمین پول مواد با مشکل مواجه بودم. یک‌ماه که از شروع کارم گذشت تصمیم گرفتم تا از خانه پیرمرد سرقت کنم. برای اجرای نقشه‌ام با ۳۰قرص خواب‌آور شام او را مسموم کردم. وقتی او به خواب رفت یک میلیون تومان پول نقد و اسناد و اوراق هویتی او را سرقت کردم و خوابیدم. صبح که از خواب بیدار شدم دیدم که صابر حال خوبی ندارد برای همین با اورژانس تماس گرفتم. وقتی امدادگران در محل حاضر شدند و او را معاینه کردند، گفتند که فوت شده است. بعد از تأیید فوت صابر بود که ماجرا را به خواهرش خبر دادم و بعد فرار کردم. سرهنگ کارآگاه مرتضی نثاری، معاون مبارزه با جرائم جنایی پلیس آگاهی تهران بزرگ گفت: با اعتراف فریبا به ارتکاب قتل تحقیقات بیشتر از او در اداره دهم پلیس آگاهی تهران جریان دارد.

کشف جسد مرد برهنه در چاه متروکه

تحقیقات پلیس پایتخت درباره علت مرگ مردی که جسد او در چاه متروکه کشف شده در جریان است.

به گزارش جوان، ساعت ۱۷ روز چهارشنبه نهم مهرماه به آتش‌نشانان ایستگاه ۱۳۲ خبر رسید که جسد مردی جوان در چاهی متروکه در بلوار رامینی شهرک دولتخواه کشف شده است. بعد از آن بود که آتش‌نشانان راهی محل شدند. اکبر اصالتی، رئیس ایستگاه گفت: امدادگران بعد از ایمن کردن محل با تجهیزات امداد به داخل چاه ۲۵متری رفته و پیکر عریان مردی حدوداً ۳۵ساله را از داخل چاه خارج کردند. وی ادامه: امدادگران اورژانس پس از معاینه مرگ مرد جوان را تأیید کردند. اصالتی گفت: جسد به دستور قاضی برای بررسی علت فوت به پزشکی قانونی منتقل شد.

غرفه‌داران بازارچه ساحلی بندر دیلم خاکسترنشین شدند

حادثه آتش‌سوزی پنج ساعته در بازارچه ساحلی بندر دیلم، غرفه‌داران را خاکستر نشین کرد. در حالی که مسئولان شهر پس از وقوع حادثه از ناایمن بودن بازارچه خبر داده‌اند، مشخص نیست چرا پیش از آتش‌سوزی نسبت به رفع مشکلات اقدام نشده‌است.

ساعت ۷:۳۰ صبح روز پنج‌شنبه دهم مهرماه آتش‌نشانان شهرستان دیلم از حادثه آتش‌سوزی در بازارچه ساحلی با خبر شده و با هفت خودروی آتش‌نشانی در محل حاضر شدند. محل حادثه بازارچه‌ای به مساحت ۲هزار ۳۱۵ متر مربع بود که ۲۰۰ واحد صنفی به صورت ناایمن در آن فعال بود و شعله‌های آتش هر لحظه بیشتر از قبل از آن زبانه می‌کشید. هر چند تلاش برای مهار آتش به سرعت در دستور کار امدادگران قرار گرفت، اما به علت وجود مواد قابل اشتعال در محل و شدت گرفتن آتش‌سوزی، بازارچه در مدت پنج ساعت به طور کامل در آتش سوخت. احمد دشتی، فرماندار شهرستان دیلم گفت: ناایمن بودن محل به ویژه سقف بازارچه باعث گسترش و سرعت انتقال آتش‌سوزی شد.

صحبت‌های فرماندار دیلم نوش دارو بعد از مرگ سهراب است و مشخص نیست، چرا متولیان امر قبل از وقوع حادثه در فکر ایمن‌سازی محل نبوده‌اند.

در همین حال محمد ضیائی، دادستان عمومی و انقلاب دیلم از صدور دستور قضایی برای بررسی آتش‌سوزی خبر داد و گفت: یک نفر به عنوان مظنون دستگیر شد و در بازداشت به سر می‌برد. وی گفت: در این حادثه به کسی آسیبی نرسید و علت حادثه در حال بررسی است. جهانگیر دهقانی، مدیرکل بحران استان بوشهر هم به تسنیم گفت: زمین بازارچه متعلق به اداره مسکن و شهرسازی است که ۱۸ سال است صنوف مختلف در آن اسکان یافتند. وی با اشاره به اینکه این بازارچه از ایمنی لازم برخوردار نبود، ادامه داد: بیشتر فعالان این بازارچه از قشر ضعیف جامعه هستند و مغازه‌ها از نظر ساختمانی از وضعیت مطلوبی برخوردار نبود و دارای کمترین ایمنی بود.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک فریمان
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۳۹۹۶۰۳۰۶۰۲۲۰۰۰۴۹۰ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک فریمان تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم مریم عاشوری شریف آباد فرزند براتعلی به شماره شناسنامه ۱۰۳۳ صادره از فریمان در یک باب ساختمان به مساحت ۱۹۰٫۸۰ متر مربع پلاک ۲۴۰۳ فرعی از ۲۷۶ اصلی واقع در بخش ۱۳ از محل مالکیت مشاعی متقاضی محرز گردیده است لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

محمدرضا رجایی مقدم – رئیس ثبت اسناد و املاک
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۳۹۹/۷/۱۲ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۳۹۹/۷/۲۷

اجرائیه

مشخصات محکوم له/ محکوم لهم حسن باج نام پدر بگمراد ساکن ایلام -میدان مرزداران -خ تلاش ۳جنب ک برهان مشخصات محکوم علیه /محکوم علیهم محمدرضا محمدی نام پدر محمد ساکن استان خوزستان شهرستان اهواز -منطقه گلستان کوی سعدی شیراز غربی پلاک۸۹ محکوم به: بموجب درخواست اجرای حکم مربوط به شماره پرونده ۷۴۳/۹۹/۸ و شماره دادنامه ۳۰۸ مربوطه محکوم علیه محکوم است به الزام به تنظیم سند خودرو به شماره انتظامی ۸۳۹ ج ۱۶ایران ۱۶در حق محکوم له. محکوم علیه مکلف است از تاریخ ابلاغ اجراییه: ۱. ظرف مدت ده روز مفاد انرا بموقع اجرا گذارد (ماده ۳۴ قانون اجرای احکام مدنی) ۲. ترتیب برای پرداخت محکوم له بدهد ۳. مالی معرفی کند که اجراحکم و استیفا محکوم به از آن میسر باشد. چنانچه خود را قادر به اجرای مفاد اجراییه نداندباید ظرف سی روز کلیه اموال خود شامل تعداد یا مقدار و قیمت همه اموال ملقول و غیر منقول، به طور مشروح مشتمل بر میزان وجوه نقدی که به هر عنوان نزد بانکها و موسسات مالی و اعتباری ایرانی یا خارجی دادرد به همراه مشخصات دقیق حسابهای مذکور و کلیه اموالی که او به هر نحو نزد اشخاصر ثالث دارد و کلیه مطالبات او از اشخاص ثالث ونیز فهرست نقل وانتقالات و هر نوع تغییر دیگر در اموال مذکور از زمان یک سال قبل از طرح دعوای اعسار به ضمیمه دادخواست اعسار به مقام قضایی ارائه نماید والا به درخواست محکوم له بازداشت می شود(مواد ۸و ۳قانون نحوه اجرای محکومیت مالی ۱۳۹۴). ٤- خودداری محکوم علبه از اعلام کامل صورت اموال به منظور فرار از اجرای حکم، حیس تعزیری درجه هفت را در پی دارد. (ماده ۳٤ قانون اجرای احکام مدنی و ماده ۲۰ ق.م.ا و ماده ۱٦ قانون نحوه اجرای محکومیت مالی ۱۳۹٤) ٥. انتقال مال به دیگری به هر نحو با انگیزه فرار از ادای دین به نحوی که باقیمانده اموال برای پرداخت دیون کافی نباشدموجب مجازات تعزیری درجه شش یا جزای نقدی معادل نصف محکوم به یا هر دو مجازات می شود. (ماده ۲۱ قانون نحوه اجرای محکومیت مالی ۱۳۹٤). ٦- چنانچه صورت پس از مهلت سی روزارائه شودازادی محکوم علیه از زندان منوط به موافقت محکوم له یا یودیع وثیقه یا معرفی کفیل توسط محکوم علیه خواهد بود (تبصره۱ ماده ۳ قانون نحوه اجرای محکومیت مالی ۱۳۹٤)

قاضی شورای حل اختلاف شعبه ۸ شورای حل اختلاف شهرستان ایلام–محسن رستمی

سازمان آگهی‌های روزنامه جوان تلفنی آگهی می‌پذیرد
۸۸۳۴۱۶۵۴

آگهی مفقودی

اینجانب محسن یارمحمدی مالک خودروی سواری سمند EF7 به شماره بدنه NAACRIHE6KF521323 و شماره موتور 147H0468132و شماره شهربانی ۹٦ _ ۸۹۸ ب ٦۸ به علت فقدان اسناد فروش تقاضای رونوشت المثنی سند مذکور را نموده است لذا چنانچه احدی ادعایی در خصوص فوق دارد ظرف ۱۰روز به دفتر منطقه ای ایران خودرو ساری واقع در کیلومتر ٥ جاده ساری به نکا جنب شرکت شمالیت مراجعه نمایند بدیهی است پس از مهلت مذکور مطابق ضوابط مقرر اقدام خواهد شد.